

مَثَل‌های زَرَتشتی (۲)

ناهد استقامت

kard o yar-e hem en.

کارد و یار همِ اِن.

کارد و خربزه هم هستند؛ یعنی مثل کارد و پنیر با هم دشمن اند و با هم نمی‌سازند.

xda ageš na-vyasa bu, be miz e rasa, vali kapa na-bute.

خَدُو اَگِه‌ش نُوئوسَه بو، به میز اِ رَسَه ولی کَپِه نَبوتِه.

خدا اگر نخواسته باشد، به (باریکی) مو می‌رسد، ولی پاره نمی‌شود؛ به عبارت دیگر مرگ و زندگی دست خداست.

bend-e emr šax bu.

بندِ عِمَر شَخ بو.

[امید که] ریسمان زندگی محکم باشد؛ یعنی نترس و نگران عزیزانت نباش، تا خواست خدای بزرگ نباشد، اتفاق بدی نمی‌افتد.

heš ki-š nava avel e xeir bu, vejən ayebat e xeir bu.

هَش کی‌ش نَو اَوَل اِ خَیْر بو، وَجِن عَقَبَت اِ خَیْر بو.

هیچ کس نگفت، اول به خیر باشد، می‌گویند عاقبت و فرجام نیک باشد.

zāhr še te a.

زاهر شه تِه ا.

زهر به زبانش است؛ یعنی زبانش و سخنش زهر آگین است، با زبان خوش صحبت نمی‌کند و مردم را با سخنش آزار می‌دهد.

wey ge aw-e zandegun mo nexārta.

وِی گِه اَو زَندِگون مُم نِخارته.

بگذار که آب زندگانی نخورده‌ایم؛ یعنی خدا را شکر که زندگی انسان جاودانه نیست و گرنه چه کارها که نمی‌کرد!

tel duzāx on

تِل دوزاخ اُن.

شکم [مانند] دوزخ است؛ یعنی نباید زیاد به فکر شکم بود، شکم پرستی گیتی و مینو را تباه می‌کند.

xak-e ri tav na bu ka.

خُکِ رِ، تِه دَ نِه گِه.

xak-e ri tav na bu ka.

خاکِ رِی تُو نَبو گِه.

د.

ری آفتاب نمی‌توان کرد؛ یعنی حقیقت را نمی‌توان پنهان کرد زیرا سرانجام آشکار می‌شود.

مُم هِمِیِه

ماه همیشه شیو آور ن می؛ یعنی بالاخره حقیقت آشکار می‌شود.

به زیر ابر نمی‌ماند